

خلاصه بحث

نافله ظهر یا عصر را بعد از گذشت وقت نمی توان خواند، ولی اگر کسی یک رکعت از نافله ظهر یا عصر را در وقت خودش خوانده باشد سایر رکعات را می تواند در خارج وقت بجا بیاورد.

تقدیم نافله ظهر بر زوال جایز نیست، ولی اگر کسی عذری داشته باشد و خوف فوت نافله در وقت خودش را داشته باشد می تواند نافله را بر زوال مقدم کند.

تقدیم نافله شب بر نیمه شب صحیح نیست، ولی اگر کسی خوف فوت نافله شب در وقتش را داشته باشد می تواند آنرا مقدم نماید.

خواندن نافله ظهر یا عصر پس از اتمام وقت نافله

در جلسه گذشته بیان شد که اگر کسی نافله عصر را در وقت خودش نخواند، یعنی از زمانی که سایه شاخص به دو قدم برسد تا زمانی که چهار قدم بشود نتوانست نافله عصر را بخواند، در این صورت دیگر نباید نافله را بخواند، ولی اگر یک رکعت را در زمان نافله درک کرده و خوانده باشد، در این صورت می تواند سایر رکعات نافله عصر را بعد از چهار قدم بخواند.

همین مطلب را در مورد نافله ظهر هم بیان کردیم و گفتیم که موثقه عمار در مورد نافله ظهر صریح است، ولی در مورد نافله عصر ظهور اطلاقی دارد.

اما در همین موثقه عمار، فقره دیگری هم وجود دارد که ما این فقره را در جلسه گذشته نخواندیم، که این فقره به صراحت همین حکم را در مورد نافله عصر بیان می کند.

متن کامل موثقه عمار را در ادامه نقل می کنیم.

موثقه عمار

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۴

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: «... وَلِلرَّجُلِ أَنْ يُصَلِّيَ مِنْ نَوَافِلِ الْأُولَى مَا بَيْنَ الْأُولَى إِلَى أَنْ تَمْضِيَ أَرْبَعَةُ أَقْدَامٍ فَإِنْ مَضَتْ الْأَرْبَعَةُ أَقْدَامٌ وَلَمْ يُصَلِّ مِنَ النَّوَافِلِ شَيْئًا فَلَا يُصَلِّي النَّوَافِلَ وَإِنْ كَانَ قَدْ صَلَّى رَكْعَةً فَلْيَتِمَّ النَّوَافِلَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهَا ثُمَّ يُصَلِّي الْعَصْرَ وَقَالَ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَلِّيَ إِنْ بَقِيَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ صَلَاةِ الزَّوَالِ إِلَى أَنْ يَمْضِيَ بَعْدَ حُضُورِ الْأُولَى نِصْفُ قَدَمٍ وَلِلرَّجُلِ إِذَا كَانَ قَدْ صَلَّى مِنْ نَوَافِلِ الْأُولَى شَيْئًا قَبْلَ أَنْ تَحْضُرَ الْعَصْرُ فَلَهُ أَنْ يَتِمَّ نَوَافِلَ الْأُولَى إِلَى أَنْ يَمْضِيَ بَعْدَ حُضُورِ الْعَصْرِ قَدَمٌ وَقَالَ الْقَدَمُ بَعْدَ حُضُورِ الْعَصْرِ مِثْلُ نِصْفِ قَدَمٍ بَعْدَ حُضُورِ الْأُولَى فِي الْوَقْتِ سَوَاءً»^۱.

در وسائل الشیعه چاپ اسلامیة عبارت به این شکل است: «للرجل أن يصلي من نوافل الأولى (العصر) ما بين ...». یعنی تعبیر «الأولى» ذکر شده و تعبیر «العصر» نیز به عنوان نسخه بدل بیان گردیده است.

اما در وسائل الشیعه چاپ آل البيت عبارت به این شکل است: «للرجل أن يصلي من نوافل الأولى ما بين ...» یعنی «العصر» حذف شده است.

بارها عرض کردیم که به نظر ما چاپ اسلامیة معتبرتر است و چاپ آل البيت اغلاط بی شماری در متن و سند روایات دارد، که یکی از آنها همین مورد است. چون به قرینه فقرات این حدیث معلوم می شود که باید تعبیر «العصر» باقی باشد، و «الأولى» حذف بشود.

بنابراین به نظر ما متن روایت باید اینگونه باشد: «للرجل أن يصلي من نوافل العصر ما بين الأولى».

مراد از «أولى» در این عبارت، نماز ظهر است، یعنی بین نماز ظهر و رسیدن شاخص به چهار قدم، می تواند نافله عصر را بخواند.

مراد از وقت نماز ظهر در اینجا، تمام وقت ظهر نیست، چون می دانیم که وقت ظهر تا غروب ادامه دارد، بنابراین معلوم است که مراد، وقت فضیلت ظهر است.

وسائل الشیعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۷۸، أبواب المواقيت، باب ۴۰، ح ۱، ط الإسلامية. ۱

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۴

وقت فضیلت نماز ظهر، از اول زوال تا دو قدم است، و تا وقت ظهر تمام نشود تعبیر «بین نماز ظهر و چهار قدم» صدق نمی کند، بنابراین معنای این فقره این می شود که بین دو قدم تا چهار قدم، می توان نافله عصر را خواند.

این به نظر ما معنای اظهر است.

البته ممکن است کسی این فقره را اینگونه معنا کند که یک نفر نافله ظهر و نماز ظهر را زودتر بخواند و هنوز دو قدم نشده باشد، در همین جا هم تعبیر «بین ظهر و چهار رکعت» صدق می کند و با اینکه هنوز شاخص به دو قدم نرسیده است می تواند نافله عصر را شروع کند.

این معنا را هم نفی نمی کنیم اما به نظر ما معنای اولی که عرض کردیم اظهر است.

در ادامه فرموده است: «فإن مضت الأربعة أقدام» یعنی اگر چهار قدم گذشت و نافله را نخواند، در اینجا هم معلوم است که سخن از نافله عصر است، یعنی اگر فرصت نافله عصر تمام شد و نافله عصر را نخوانده بود دیگر نباید مشغول نافله بشود.

و در ادامه فرموده است: «وَإِنْ كَانَ قَدْ صَلَّى رَكْعَةً فَلْيَتِمَّ النَّوَافِلَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهَا ثُمَّ يُصَلِّي الْعَصْرَ».

شاهد مثال اصلی ما همین فقره است که حضرت فرموده اند اگر یک رکعت از نافله عصر را قبل از رسیدن به چهار قدم خوانده باشد، در این صورت می تواند بقیه نافله عصر را هم بخواند و سپس اصل نماز عصر را اقامه کند.

بنابراین موثقه عمار در مورد نافله عصر صراحت دارد و این حکم را به صراحت بیان می کند.

در ادامه هم همان فقراتی آمده است که دیروز بیان کردیم و گفتیم که در مورد نافله ظهر صراحت دارد و در مورد نافله عصر، ظهور اطلاقی دارد.

بنابراین از مجموع فقرات این روایت معلوم می شود که این حکم، هم در مورد نافله ظهر و هم در مورد نافله عصر وارد شده است که اگر یک رکعت از نافله را در وقت خودش بجا بیاورد، بقیه رکعات را می تواند پس از وقت انجام بدهد و سپس نماز اصلی را بخواند.

فتوای اصحاب هم همین است و عبارات شان را ذکر کردیم.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۴

بنابراین نص و فتوا در این مساله اتفاق دارند.

اقامه نوافل ظهر قبل از زوال

بیان کردیم که نوافل ظهر را نمی توان قبل از زوال بجا آورد، ولی گفتیم که این مساله مستثنیاتی هم دارد که یکی از آنها خوف فوت است، یعنی اگر کسی بداند که اگر نافله را قبل از زوال نخواند، بعد از زوال هم فرصت نخواهد داشت، و نافله از او فوت خواهد شد، که اگر کسی چنین خوفی داشته باشد می تواند نافله را قبل از زوال بخواند.

در مورد این مساله سه طایفه روایت داریم.

طایفه اول نصوصی هستند که بر منع تقدیم نوافل ظهر بر زوال به صورت مطلق دلالت دارند.

این نصوص فراوان و واضح هستند و با صراحت بر این مطلب دلالت می کنند. نصوصی مانند صحیحہ عمر بن اذینہ، دو صحیحہ زراره و نصوص دیگری که قبلاً خوانده بودیم، که این نصوص، دلالت بر منع تقدیم نوافل ظهر بر زوال دارند.

اما در مقابل، طایفه دوم از نصوص، به طور مطلق می گویند که تقدیم نافله ظهر پیش از زوال جایز است، زیرا نافله به منزله هدیه است و شخص می تواند هر وقت بخواهد آنرا بخواند.

حالا این دو طایفه به ظاهر با یکدیگر تعارض دارند.

حل این تعارض به دو صورت امکان پذیر است.

طریق اول برای حل این تعارض، همان نظر صاحب جواهر است که عبارت ایشان را قبلاً بیان کردیم.

ایشان می فرمایند که نصوص طایفه دوم از نافله ظهر منصرف هستند و اختصاص به سایر نوافلی دارند که تحت عناوین مختلفی در شرع وارد شده اند و این نمازهای مستحبی را در هر زمان از روز می توان خواند.

توجیه دیگری که صاحب جواهر فرمودند این بود که ممکن است این نصوص در مورد قضای نافله ظهر باشد، که قضای آنرا در هر زمانی می توان خواند.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۴

روایتی از امام سجاد علیه السلام نیز نقل کردیم که اگر انسان نافله ظهر را در وقتش نخوانده باشد، می تواند آنرا در هر زمانی بخواند، زیرا نافله مانند یک هدیه است و می توان آنرا در هر وقت از روز خواند.

صاحب جواهر هر دو احتمال را آورده است و به نظر ما هر دو احتمال خوب است.

با این حساب، تعارض میان نصوص مرتفع می شود، به این معنا که نصوص طایفه اول که مطلقاً منع کرده بودند مربوط به نافله ظهر هستند، و نصوص طایفه دوم که مطلقاً اجازه داده اند مربوط به سایر نوافل می باشند.

به نظر ما توجیه اولی که صاحب جواهر بیان کرده است بهتر است و آن این است که این نصوص به سایر نوافل اختصاص دارند، ولی به هر حال توجیه دوم ایشان هم خوب است و برای قضای نافله ظهر یا عصر می توان به این نصوص تمسک کرد. استدلالی که امام سجاد علیه السلام در آن روایت آوردند این بود که نافله هدیه است، بنابراین قضای نافله ظهر را در هر زمانی می توان انجام داد.

این استدلال کاملاً درست است، منتهی اینکه مراد از این مطلقات هم همین باشد مطلب دیگری است.

به نظر ما اصل استدلال درست است، ولی به نظر می رسد که مراد از این نصوص با توجیه اول صاحب جواهر سازگارتر است.

این دو توجیهی که از صاحب جواهر نقل کردیم، طریق اولی بود که برای حل تعارض می توان بیان کرد.

طریق دومی که برای حل تعارض این دو طایفه وجود دارد این است که ما نص خاص و شاهد جمع داریم.

شاهد جمع ما، همان دو روایت آخری است که دیروز خواندیم. که این دو روایت دلالت دارند که اگر انسان اشتغالی داشته باشد و نتواند نافله را در وقتش بخواند می تواند آنرا قبل از زوال بخواند.

بنابراین، این شاهد جمع می شود که مراد از طایفه اول که مطلقاً نفی می کنند این است که اگر انسان شاغلی نداشته باشد نباید نافله را قبل از زوال بخواند، و مراد از طایفه دوم که مطلقاً اجازه می دهند این است که اگر انسان شاغلی داشته باشد می تواند نافله را قبل از زوال بخواند.

تقدیم نافله لیل

امام راحل فرموده اند:

«و يجوز تقديم نافلة الليل على النصف للمسافر والشاب الذي يخاف فوتها في وقتها، بل و كل ذي عذر كالشيخ و خائف البرد أو الاحتلام، و ينبغي لهم نية التعجيل لا الأداء».^۲

وقت نافله شب، از نیمه شب آغاز می شود، ولی به اتفاق نص و فتوا ثابت است که اگر کسی عذر دارد و مثلاً جوان است و نمی تواند برای نماز شب بیدار بشود یا پیر است و توان بیدار شدن ندارد، یا مسافر است و به هر حال هر کسی که عذری دارد و خوف فوت نافله شب در وقت خودش را دارد، می تواند قبل از نیمه شب نماز شب را انجام بدهد، و به ثواب نماز شب برسد، یعنی همان فضیلت نماز شبی که در آخر شب خوانده می شود برای چنین کسی که نافله را تقدیم کرده است نیز ثبت می شود.

صاحب حدائق فرموده است:

«المشهور بين الأصحاب جواز تقديم صلاة الليل في أوله للشباب الذي تمنعه رطوبة دماغه من الانتباه و المسافر الذي يمنعه جد السير».^۳

مراد از «رطوبت دماغ» سردی مغز است، که سبب کثرت نوم می شود و فرد نمی تواند برای نماز شب بیدار شود.

مراد از «جَدّ السير»، اتصال طریق است، یعنی مسافر باید خودش را به کاروان وصل کند و خودش را به آنها برساند، و به همین است که نمی تواند نافله را در وقت خودش بخواند، یعنی ساعت حرکت قافله در همان زمان نافله است، و اگر بخواهد نافله را بخواند از کاروان عقب می افتد.

صاحب ریاض نیز فرموده است:

^۲ تحریر الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۲.

^۳ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ۶، ص ۲۲۹.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۴

«لا يجوز أن تقدم صلاة الليل على الانتصاف لما مر في توقيتها به إلا لشاب تمنعه من فعلها في وقتها رطوبة رأسه و دماغه أو مسافر أو شبههما من ذوي الأعذار المحتملة منعها لهم عن فعلها في الوقت، فيجوز لهم حينئذ تقديمها عليه على الأظهر الأشهر، بل في الخلاف الإجماع عليه، بل عليه عاقبة من تأخر»^٤

نظير همین مطلب را صاحب جواهر نیز آورده و فرموده است:

«نعم يستثنى منه ما أشار إليه بقوله إلا لمسافر يصده جده، أو شاب يمنعه رطوبة رأسه عن فعلها فيما بعده، وفاقا للأكثر، بل عن الخلاف الإجماع عليه، للنصوص المستفيضة»^٥

همانطور که ایشان فرموده اند نصوص در این باب مستفیضه هستند و ما یازده روایت را نقل کرده ایم که اکثر اینها صحیحه هستند.

صحیحہ لیث مرادی

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الصَّيْفِ فِي اللَّيَالِي الْقَصَارِ صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَقَالَ نَعَمْ نَعَمْ مَا رَأَيْتُ وَ نَعَمْ مَا صَنَعْتُ يَعْنِي فِي السَّفَرِ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَخَافُ الْجَنَابَةَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي الْبَرْدِ فَيَعَجِّلُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ الْوُتْرَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَقَالَ نَعَمْ»^٦

یکی از عذرهایی که سبب می شود انسان نتواند نماز شب را در وقتش بخواند کوتاه بودن شب در تابستان است، یعنی فرد می ترسد که اگر بخوابد نتواند برای نماز شب بیدار شود، که در این صورت می تواند قبل از نیمه شب نماز شب را بخواند.

متأسفانه امروزه سبک زندگی غلطی وجود دارد که شب را به شب نشینی می گذرانند و دیر وقت به خواب می روند و نماز شب که هیچ، بلکه نماز صبحشان هم قضا می شود.

^٤ ریاض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل، الطباطبائي، السيد علي، ج ٢، ص ٢١٧.

^٥ جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ٧، ص ٢٠٥.

^٦ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ٣، ص ١٨١، أبواب المواقیت، باب ٤٤، ح ١، ط الإسلامیة.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۴

این رسم، نادرست و مخالف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیه السلام است. باید شیعیان آگاه باشند که شب بیدار ماندن تا دیروقت، برخلاف سنت پیامبر و اهل بیت است. در روایات چنین آمده که حضرت رسول و اهل بیتش زود می خوابیدند و نیمه شب بیدار می شدند برای عبادت و نماز شب.

متأسفانه در جامعه امروز، افراد به جای اینکه زود بخوابند و نیمه شب بیدار شوند، تا دیروقت بیدار می مانند و به طور معمول، خوابشان به نیمه شب یا بعد از آن می افتد. این برخلاف سنت است، و این روایت هم شامل چنین افرادی نمی شود، یعنی اگر کسی عمدا بیدار می ماند و می خواهد نافله شب را قبل از نیمه شب بخواند، این روایت شامل حال چنین فردی نمی شود.

این روایت مربوط به کسی است که برای او عذری پیش آمده و خوف فوت نماز شب را دارد که در این صورت می تواند نافله شب را قبل از نیمه شب بخواند.

به نظر می رسد که تعبیر «یعنی فی السفر»، قول راوی است، چون چنین تعبیری از حضرات معصومین علیهم السلام متعارف نیست.

به هر حال در این روایت، کوتاه بودن شب های تابستانی، و خوف جنابت و خوف سرما ذکر شده که همه اینها اسبابی هستند که ملائک اصلی یعنی خوف فوت را بیان می کنند، بنابراین اگر کسی بترسد که نافله شب در وقت خودش فوت بشود، می تواند نافله را مقدم کند.

صحیحہ حلبی

و بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنْ حَشِيتَ أَنْ لَا تَقُومَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ أَوْ كَانَتْ بِكَ عِلَّةٌ أَوْ أَصَابَكَ بَرْدٌ فَصَلِّ وَ أَوْتِرْ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ».^۷

این روایت هم به روشنی دلالت دارد که اگر انسان بیماری داشته باشد یا هر سبب دیگری وجود داشته باشد که خوف فوت نافله شب در وقت خودش را داشته باشد می تواند نافله را زودتر از وقت بخواند.

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۸۱، أبواب المواقی، باب ۴۴، ح ۲، ط الإسلامیة. ۷

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: «إِنَّمَا جَازَ لِلْمُسَافِرِ وَ الْمَرِيضِ أَنْ يُصَلِّيَا صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ لِاشْتِغَالِهِ وَ ضَعْفِهِ وَ لِيَحْرَزَ صَلَاتَهُ فَيُسْتَرِيحَ الْمَرِيضُ فِي وَقْتِ رَاحَتِهِ وَ لِيَشْتَغِلَ الْمُسَافِرُ بِاشْتِغَالِهِ وَ ارْتِحَالِهِ وَ سَفَرِهِ»^۸.

تعبیر «لاشتغال» نشان می دهد که خود مسافرت موضوعیتی ندارد، بلکه به این جهت که غالباً اشتغال دارند و نمی توانند نافله را در وقت خودش بخوانند به همین جهت است که می توانند زودتر بجا بیاورند.

تعبیر «لیحرز صلاته» به این معناست که مسافر و مریض می توانند نافله را زودتر بخوانند تا مطمئن شوند که نمازشان فوت نمی شود و آنرا انجام می دهند، یعنی اگر قبل از نیمه شب نخوانند، اطمینان ندارند که بتوانند در پایان شب بخوانند.

سایر روایات هم از همین قبیل هستند و عذرهای مختلف را بیان کرده اند که گاهی جوانی و پرخوابی جوان سبب می شود که نافله را زودتر بخواند، و گاهی پیری عذر می شود، و گاهی خوف جنابت و همینطور سایر عذرهایی که ذکر شده است که مناط و ملاک اصلی در همه اینها همین است که انسان خوف فوت نافله را داشته باشد که در این صورت می تواند نافله را مقدم کند.

بنابراین اگر خوف فوت نافله وجود داشته باشد، حتی اگر هیچکدام از این اسباب نباشد و یک سبب دیگری وجود داشته باشد، باز هم می تواند نافله را مقدم نماید، چون این موارد، از باب مصادیق و نمونه ذکر شده اند، و خودشان موضوعیت ندارند.

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۸۱، أبواب المواقی، باب ۴۴، ح ۳، ط الإسلامية. ۸